



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	مفهوم شناسی غیبت
۲	مرور گذشته
۲	مفهوم مستوریت
۲	انواع مستوریت
۳	احتمال و بیان امام (ره)
۳	بررسی احتمال اول
۳	بررسی احتمال دوم و سوم
۴	جمع بندی
۴	نکته



مفهوم شناسی غیبت

مرور گذشته

مبحث ششم این بود که آیا در حرمت غیبت شرط عیب مستور وجود دارد یا اینکه مستور و مکشوف تفاوتی ندارد؟

نظر مشهور این بود که مستوریت شرط است. روایاتی را در این باب عرض کردیم. بعد از آن روایات عامه و خاصه را با هم سنجیدیم.

در روایات عامه قید «ما یکره» وجود دارد. ولی در روایت خاصه و امامیه، این قید کمتر آمده است و بیشتر بر قید «ما ستر الله علیه» تأکید شده است. ملاحظه کردید این قید در حدود ده روایت آمده است. بین آن روایات، روایت معتبری نیز بود. البته باید بدانیم که از مجموع ده روایت نمی‌توانیم به سادگی عبور کنیم. در نتیجه نمی‌توانیم قید مستوریت را در فقه امامیه کنار بگذاریم. در نتیجه غیبت گفتن عیب موجود و مستور در پشت سر کسی است. بعد از اینکه اصل را پذیرفتیم، باید ببینیم مستوریت به چه معناست؟

مفهوم مستوریت

انواع مستوریت

در مفهوم مستوریت احتمالاتی وجود دارد:

الف) مقصود از مستور، مستوریت مطلقه عندالجمیع است. یعنی هیچ‌کس از عیب شخص مطلع نیست، البته شخص غیبت کننده این عیب را می‌داند.

ب) مستوریت عرفی غالبی. مستوریت عرفی به نحو مطلق است. شاید تعدادی بدانند، ولی همه نمی‌دانند و امر شایعی نیست.

ج) مستوریت در محدوده (زمانی و مکانی) غیبت. مثلاً شخص دو وطن دارد، در جایی مشهور به شرب خمر است، اما در جای دیگر انسان وزینی است.

د) مستوریت عند السامع است. یعنی شخصی که می‌شنود، نداند. این ارتباطی به مستوریت کلی ندارد.

احتمال اول و چهارم قطعاً کنار گذاشته می‌شوند. زیرا عرفاً «ستر الله علیه» به این معنا است که معمولاً شخص را با این عیب نمی‌شناسند. ثانیاً در تمام روایات تعابیر دیگری نیز بود که این ستر را تعبیر می‌کرد. از جمله روایت یحیی الارزق بر این امر تأکید



داشت. در آن روایت می‌گوید چیزی که مردم با آن آشنا هستند، غیبت حساب نمی‌شود و ذکر چیزی که مردم نمی‌شناسند، غیبت است. روایت دوم باب ۱۵۴، اثر ظاهر را مقابل مستور قرار داده بود. این روایات، احتمال چهارم را کنار می‌گذارد.

احتمال و بیان امام (ره)

احتمال پنجم این است که مقصود مستور یعنی امور نهانی و باطنی که تکویناً مستور است. این‌ها امور باطنی است. البته خود ایشان جواب این احتمال را داده‌اند. امور ظاهری محسوس اگر کسی مطلع نباشد ولی به شخص نسبت داده بشود، قطعاً غیبت است. مصداق این امر در روایات نیز آمده است.

قسم پنجم مستوریت را بر اساس ظاهری و باطنی تقسیم‌بندی می‌کند و آگاهی دیگران را مبنا نمی‌داند. این نظر، قطعاً دارای اشکال است.

بررسی احتمال اول

اینکه بگوییم منظور از مستوریت، چیزی است که کسی نداند. ظاهر «ستر الله علیه» همین است که کسی نداند و مطلقاً کسی نداند. این احتمال را قطعاً نمی‌توانیم بپذیریم، زیرا عبارت «مما یعرفه الناس» ظهوری در مطلق ندارد. حتی عبارت دیگری در روایت دوم باب ۱۵۴ وجود داشت که می‌گفت اگر امر ظاهری باشد غیبت است. به صرف اینکه چند نفر بدانند، امر ظاهر نیست. علاوه بر این نیز ما یقین داریم که غیبت شامل این امر نمی‌شود زیرا اگر این امر ملاک غیبت باشد، غیبت بسیار نادر می‌شود.

در نتیجه به خاطر ظهورات اولیه، احتمال اول قوی به نظر می‌رسد اما با دقت بیشتر متوجه می‌شویم که این احتمال اول، اصلاً صحیح نمی‌باشد.

بنابراین احتمال چهارم و پنجم و اول، کنار می‌روند.

بررسی احتمال دوم و سوم

تاکنون مشترک احتمال دوم و سوم ثابت شده است، غیبت جایی است که غالباً جامعه از آن مطلع نیست. قدر متیقن این دو اطلاع عرفی است. اما بین این دو احتمال سؤال می‌شود که مستوریت عرفی غیر شایع، علی الاطلاق است، یا اینکه با محدوده زمانی و مکانی از هم جدا می‌شوند.

ظاهر دلیل مطلق را بیان می‌کند. اگر یکجا عرف اطلاع داشته باشد، تمام جاها نیز غیبت شخص جایز می‌شود.

اما احتمال دیگر این است که اظهر احتمال سوم است. در جایی که غیبت می‌شود، باید ببینیم عرف مطلع است یا خیر.



البته با قاطعیت نمی‌توانیم احتمال دوم را رد کنیم ولی اظهر احتمال سوم است.

جمع‌بندی

در مفهوم مستوریت، پنج احتمال را بیان کردیم. با قطعیت احتمال اول و چهارم و پنجم را رد کردیم. احتمال دوم نیز قابل قبول است اما اظهر احتمال سوم است. در نتیجه غیبت باید امر مستور در مقابل شایعی باشد. (عیبی که شناخته شده نیست البته در محدوده مکانی و زمانی شخص)

نکته

شیوع گاهی در عرف خاص است و گاهی در عرف عام است. مثلاً در حلقه‌ی معاشران او شناخته شده است ولی در حلقه‌ی عام‌تر شناخته شده نیست. به نظر ملاک همان عرف عام است. اینکه بخواهیم درون منطقه‌ای را جدا کنیم، بعید به نظر می‌رسد.